

بسم الله الرحمن الرحيم
عملیات والفجر مقدماتی در یک نگاه

نام عملیات: والفجر مقدماتی

رمز عملیات: یا... یا... یا...

منطقه عملیاتی: جبهه جنوبی - شمال جزایه تا فکه

مدت زمان عملیات: ۲۱:۳۰ دقیقه شب ۶۱/۱۱/۱۷ الی ۶۱/۱۱/۲۰ (۴روز)

نوع عملیات: گسترده

وسعت مناطق آزاد شده: ۳۰۰ کیلومتر مربع

اهداف عملیات: انهدام نیروهای عراقی و ایجاد شکاف بین خطوط دشمن در منطقه، تصرف پل غزیه و در صورت پیروزی در مرحله بعد تصرف شهر العماره

فرماندهی عملیات: قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء(ص) (مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران)

سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران

استعداد نیروهای خودی: ۱۰ لشکر، ۹ تیپ، ۷ گردان توپخانه از سپاه پاسداران - ۱ لشکر، ۸ تیپ، ۱۶ گردان توپخانه از ارتش جمهوری اسلامی

استعداد نیروهای دشمن: ۴ لشکر، ۱۰ تیپ و گارد ریاست جمهوری

نتایج عملیات: آزاد سازی پاسگاه های ایرانی سوبله/ صفریه/ رشیدیه / طاوسییه/

پاسگاه های عراقی وهب/ الکرامه / صفریه

خسارات وارده به دشمن:

۵ فروند هواپیما - بیش از ۱۲۰ دستگاه خودروی نظامی - بیش از ۸۰ دستگاه تانک و نفربر - تعداد زیادی سلاح سبک و نیمه سنگین

- یگانهای منهدم شده دشمن: تیپ ۱۲ از لشکر ۳ زرهی شامل گردانهای قادیسیه، قطیبه، معتصم و گردان ۳ مکانیزه. تیپ ۷۰۲ پیاده از لشکر ۱۴ گردانهای المثنی و الانتصار - یگ گردان از تیپ ۵۰۵ گردان کماندویی حطین

- بیش از ۴۵۰۰ نفر کشته و زخمی دشمن

- تعداد ۱۳ نفر از نیروهای عراقی - یمنی - اردنی - سودانی و مصری اسیر شدند

غنائم: ****

۱ - جغرافیای منطقه ی عملیات:

عملیات های والفجر مقدماتی و والفجر یک در زمین های اطراف فکه انجام شد، منطقه ای که از ارتفاعات جبل الحمرین در استان ایلام تا نزدیکی های چزابه در استان خوزستان ادامه دارد.

عملیات والفجر مقدماتی در منطقه ای بنام فکه واقع در شمال غربی استان خوزستان انجام شده است ، محدوده چهار گانه منطقه ی عملیاتی بشرح ذیل می باشد :

شمال: (منطقه فکه - جنوب رودخانه دویرج - دشت بزرگان - جنوب هور البیشه)

جنوب: (تنگه چزابه - هورالهویزه و شهر بستان)

شرق: (تپه های شنی - جنگل عمقر و تنگه زلیجان و ارتفاعات میشداغ و برقازه)

غرب: مرز بین المللی ایران و عراق (شهر العماره عراق جاده استراتژیک بغداد - العماره - بصره و رودخانه دجله)

- عوارض طبیعی:

- رودخانه ها:

- **رودخانه دویرج:** از به هم پیوستن رودخانه چیخواب (فصلی) و نهر عنبر در نزدیکی چم سری رودخانه ی دویرج تشکیل می گردد و بعد از طی کردن مسیری در حدود ۳۶ کیلومتر از کنار ارتفاعات مرزی از شمال پاسگاه فکه وارد خاک عراق شده و در نهایت به هور السناف می ریزد این رودخانه در شمال غربی منطقه ی فکه قرار دارد و از ویژگی های آن طغیان در فصل بارش است.

- شهرها و سایر مناطق :

- **شهر بستان:** بستان یکی از بخش های شهرستان دشت آزادگان می باشد که از شمال به منطقه فکه و از شرق به دزفول و جنوب شرقی به سوسنگرد و از جنوب به هویزه و از غرب به کشور عراق محدود می شود .

بستان جزئی از جلگه ی خوزستان می باشد و ارتفاع چندانی ندارد ولی تپه های شنی و کوههای کم ارتفاع شمال شرقی آن به میشداغ معروف است .

- **شهر العماره:** شهر العماره مرکز استان میسان عراق و در ۳۹۰ کیلومتری جنوب بغداد است . زمین های شرقی اطراف این شهر نفت خیز می باشد . العماره مرکز فرماندهی سپاه چهارم عراق بود .

- **تنگه چزابه:** چزابه منطقه ای است در ۱۷ کیلومتری شمال غربی شهر بستان به عرض متغیر ۲ تا ۴ کیلومتر که از شمال به منطقه ی فکه، از جنوب به شهر بستان، از غرب به خط مرزی ایران و عراق و از شمال شرق به ارتفاعات میشداغ محدود می شود و بین تپه های رملی و هورالهویزه و بر سر جاده ی مرزی فکه- بستان قرار دارد.

پاسگاه مرزی سوبله ایران و شیب عراق در غرب آن واقع است. این منطقه به علت قرار گیری در بین هور و تپه های رملی یک گلوگاه محسوب می شود و به دلیل قرار داشتن در مسیر دست یابی به شهر های بستان و سوسنگرد از موقعیت ویژه ای برخوردار است. به همین دلیل این منطقه یکی از ۵ معبر اصلی هجوم ارتش عراق به خوزستان بود.

- پاسگاه ها :

در امتداد مرز ایران و عراق پاسگاه های فکه، دویرج، طاوسییه، رُشیدیه، صفریه، سابله و شیب و جود داشت که قبل از آغاز جنگ نیروهای ژاندار مری در آن مستقر بودند.

- آب و هوا :

آب و هوای منطقه والفجر مقدماتی بیابانی ، گرم و خشک است.و در زمان بارندگی، باران بصورت سیل آسا در منطقه می بارد.

- جز بخشی از مناطق شمالی منطقه ، که در استان ایلام است ، باقی منطقه کم باران است و آب و هوایش گرم و خشک که گاه بادهای شدیدی در منطقه می وزد که خاک ها را در هوا می پراکند و گردو غبار شدیدی به پا می کند.

- خاک و زمین :

- زمین منطقه عملیات والفجر مقدماتی بیشتر رملی است. رفت و آمد در رمل سخت است و باران در آن باتلاق هایی درست می کند که حرکت را بسیار سخت تر می کند. تپه های رملی پراکنده در منطقه هم بسیار زیاد هستند.(در قاعده نظامی هریک قدم حرکت در رمل برابری می کند با سه قدم در زمین مسطح) رمل ها را حاصل فرسایش باد بر خاک ها و ارتفاعات منطقه می دانند ، برخی هم می گویند رمل هارا باد از صحرای عربستان ، سوریه و عراق به منطقه آورده است.

- تپه های نبعه : تپه های رملی نبعه در شمال شهر بستان و دو کیلومتری شمال غرب چزابه قرار دارد و بالاترین ارتفاع آنها حدود ۶۵ متر است. اطراف این تپه ها دشت وسیعی از شن های روان قرار دارد و جنس زمین این منطقه به گونه ای است که در مواقع خشکی بسیار نرم و به هنگام بارندگی شدید . مواقعی که رودخانه ها طغیان می کنند، به صورت گل چسبنده و باتلاقی است و حرکت افراد و خودروها را در خارج از جاده محدود و گُند می کند.

لیکن رزمندگان اسلام در جریان عملیات طریق القدس نبرد چزابه و عملیات والفجر مقدماتی توانستند از آن عبور کنند و به دشمن یورش برند.

- پوشش گیاهی : جز درخت های گز ، تاغ زارها و اسکنسیل زارها منطقه پوشش گیاهی دیگری ندارد برای همین شن های منطقه روان هستند. البته جنگلی از درختان گز در منطقه می باشد که به آن جنگل عمقر می گویند.

- جنگل عمقر: در شمال شهر بستان و شمال شرقی چزابه و غرب تنگ ذلیجان قرار دارد و تنها فضای جنگلی این منطقه است و از انبوه بوته ها و درختان گز تشکیل شده است.

در عملیات والفجر مقدماتی، رزمندگان جهت استتار درمانگاه صحرایی، قرارگاه ها و بنه های تدارکاتی خود را در پناه این درختان احداث کرده بودند و در شب عملیات از این محل برای تجهیز، سازماندهی، هدایت و پشتیبانی گردان های عمل کننده در محور جنوبی استفاده می کردند.

نیروهای جهاد سازندگی برای تسهیل در تردد به دشت های شرق فکه، به ساخت جاده ای با تراورس و صفحه های فلزی مشبک از میان این جنگل تا پاسگاه های مرزی صفریه و رشیدیه اقدام کردند که به علت کمبود امکانات نا تمام ماند.

- ارتفاعات :

- منطقه ارتفاعات چندانی ندارد. میشداغ مهمترین ارتفاع منطقه است که ۲۴۶ متر ارتفاع دارد و از ده کیلومتری شمال شرقی بستان (در شرق) تا تپه های رقابیه (در جنوب غربی فکه) ادامه دارد.
- از ارتفاعات مهم عملیات می توان تپه ۸۵ و تپه دوقلو را نام برد که در خاک ایران قرار دارند.

۲ - سابقه نظامی :

- هجوم عراق :

در سال ۱۳۵۹ صدام با حمایت غرب و شرق به کشور ایران اسلامی حمله کرد یکی از محورهای هجوم منطقه ی فکه بود بدین ترتیب که لشکر ۱ مکانیزه ی عراق از منطقه العماره وارد مرز فکه شد و به سمت تپه های ابوصلیبی خات (رادارو سایت ۴ و ۵) و سپس شهر شوش پیشروی کرد و خود را به رودخانه ی کرخه در غرب شوش رساند در این مسیر ارتفاعات برقاره (بعد ها قرارگاه تاکتیکی سپاه چهارم عراق شد) و منطقه ی چنانه را به تصرف خود درآورد. در طول نبرد هشت ساله ، دو عملیات وسیع و دو عملیات محدود نظامی در منطقه فکه به اجرا در آمد. عملیات های (والفجر مقدماتی) در بهمن ۱۳۶۱ و (والفجر ۱) در فروردین ماه ۱۳۶۲ به عنوان حرکت های بزرگ نظامی جمهوری اسلامی و دو عملیات کوچک با عنوان ظفر ۴ در تیر ماه ۱۳۶۳ و عاشورای ۳ در مردادماه ۱۳۶۳ در تاریخ دفاع مقدس ثبت شده است.

۳ - فضای سیاسی حاکم بر مملکت و بین الملل:

وضعیت سیاسی کشور قبل از عملیات والفجر مقدماتی با مسائل مختلفی همراه بود، یکی دیگر از مسائل مطروحه ، به هنگام عملیات والفجر مقدماتی همزمانی عملیات با دهه فجر و دیگری برگزاری کنفرانس غیر متعهد ها در کشور هند بود. همچنین موفقیت های بدست آمده در دو عملیات مسلم بن عقیل و محرم ، مجموعاً نقش به سزایی در شکل گیری تبلیغاتی آن مقطع داشت.

صدام رئیس جمهور عراق ضمن ملاقات با یکی از اعضای حزب دموکرات آمریکا (استیفن سولارز) در سوم شهریور سال ۱۳۶۱ با به رسمیت شناختن و تضمین امنیت اسرائیل سعی در جذب کمک های امریکا، متحد شماره یک اسرائیل نمود. صدام از طرفی دیگر برای عوام فریبی اعلام می نماید حاضر است برای خاتمه ی جنگ به تهران بیاید و با امام (ره) مذاکره نماید و با مظلوم نمایی سعی در فریب افکار جهانی دارد.

(در تاریخ ۱۲ بهمن در سالگرد واقعه ی آمل ۲۲ نفر از عاملین این جنایت اعدام شدند. در این واقعه که در ۵ بهمن ۱۳۶۰ رخ داد عناصر ضد انقلاب با جنایت هولناک خود در آمل با کشتار تعدادی از مردم غیور، سعی در کنترل و در اختیار گرفتن شهر داشتند که با طراحی و اجرای عملیات به موقع سپاه پاسداران و حمایت مردم این اقدام منافقین ناکام ماند).

۴ - فضای حاکم بر جبهه ها :

در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۶۱ و تنها چند روز مانده به عملیات والفجر مقدماتی چند تن از فرماندهان جنگ به شهادت رسیدند. برادر شهید سرلشگر پاسدار حسن باقری (جانشین نیروی زمینی سپاه و بنیانگذار اطلاعات رزمی جنگ) و برادر شهید سرلشگر پاسدار دکتر مجید بقائی (فرمانده ی قرارگاه کربلا) و برادران پاسدار: شهید معینیان، شهید رضوانی و شهید قلاوند در حین شناسایی این عملیات بر اثر انفجار گلوله خمپاره دردیدگاه اطلاعات به شهادت رسیدند و به غیر از شهدا، برادر پاسدار محمد باقری و مرتضی صفاری که همراه آنان بوده اند زخمی گردیدند. و این واقعه ضربه سنگینی بر مجموعه طراحان و فرماندهان جنگ وارد نمود. در روز ۱۷ بهمن ماه ۱۳۶۱ اعزام سراسری از چند شهر بزرگ و کوچک کشور به جبهه ها جهت تقویت مناطق عملیاتی و ضربه زدن به دشمن انجام شد.

بعد از عملیات رمضان دشمن با اتخاذ، تدابیر و تاکتیک های مناسب بر توان خود در مقابله با قوای اسلام افزوده بود توانست جلوی پیشروی رزمندگان اسلام را بگیرد، لذا برای خروج از شرایط ایجاد شده انجام عملیات های محدود در دستور کار قرار گرفت و به همین دلیل عملیات های مسلم بن عقیل و محرم طراحی و اجرا شد که با موفقیت نسبی همراه بود.

۵ - قبل از عملیات:

در حالی که عدم موفقیت در عملیات رمضان، دور نمای پیشروی در شرق بصره را دور از دسترس نشان می داد، ولی پیروزی در عملیات محرم و تسلط بر زمین های استان میسان، دست یابی به شهر العماره عراق که به عنوان تهدید هم زمان علیه دو شهر بصره و بغداد محسوب می شد را امکان پذیر کرده بود، به همین منظور از آن جایی که فرماندهان جنگ ناگزیر بودند در مقابل تجهیزات برتر عراق، زمین سخت را گزینش کرده و درگیری در وضعیت دشوار را به دشمن تحمیل کنند ، منطقه رملی غرب ارتفاعات میشداغ - حد فاصل فکه تا چزابه برای انجام عملیات (والفجر) انتخاب گردند.

با این عملیات طراحان نظامی خودی دریافتند که عملیات های بعدی باید در مناطق عاری از نقاط قوت دشمن (موانع، آتش توپخانه - زرهی و ...) انجام شود.

از سوی دیگر، مناطق انتخابی باید به گونه ای می بود، که ضعف های خودی در آن کم تر و جنگ متکی به نیروهای انسانی در آن مناطق عملی باشد. مضافاً به این که فرماندهان سپاه پاسداران به این نتیجه رسیدند که باید ضمن پرهیز از انتخاب مناطق با عمق زیاد، این انتخاب متناسب با توان قوای خودی باشد.

- اهداف عملیات :

بر اساس طرح ریزی صورت گرفته اهداف زیر برای عملیات والفجر مقدماتی در نظر گرفته شد:

اولین هدف این عملیات تصرف پل غزیه بود و چنانچه این مرحله از عملیات با موفقیت انجام می شد ، تصرف شهر العماره به عنوان دومین هدف در دستور کار قرار می گرفت . اگر ما می توانستیم شهر العماره را تهدید نموده و یا تصرف کنیم ، دسترسی به جاده بغداد - العماره و بصره میسر می شد و این مسیر استراتژیک در اختیار رزمندگان اسلام قرار می گرفت . مسئله قابل توجه در این عملیات ، بکارگیری نیروی زرهی خودی بود که این امر عمدتاً به لحاظ بعد مسافت و عمق منطقه عملیاتی در نظر گرفته شده بود.

- والفجر مقدماتی، جنگ با استکبار

تقریباً سه ماه پس از عملیات محرم، لشکرهای سپاه پاسداران ، از جمله: لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع)، لشکر ۷ ولی عصر (عج)، لشکر ۵ نصر، لشکر ۲۵ کربلا ، همراه جهاد گران گیلان، اصفهان، قوای قرارگاه یکم در منطقه عملیاتی جنوبی فکه سازماندهی می شوند. در طرح پیشنهادی ، مصوب شد به خاطر بعد مسافت، از نیروهای زرهی نیز در عملیات بکارگیری شود. ستون پنجم که در جبهه خودی نفوذ کرده است ، مکان و زمان عملیات را به دشمن گزارش می دهد. ماهواره های شناسایی غرب نیز از محل تجمع نیروهای ایران با خبر می شوند.

شوروی، رژیم اشغالگر قدس و فرانسه با اهدای جنگ افزارهای سنگین و گوناگون، برزیل با تحویل خودروهای متعدد، آلمان و ایتالیا با دادن موشک های ضد زره، عربستان و کویت با پرداخت هزینه های سنگین جنگ، به عراق کمک می کنند. سودان، مصر و اردن با اعزام اجباری نیرو نقش خود را برای نجات صدام از مهلکه جنگ ایفا می کنند. در چنین شرایطی عملیات والفجر مقدماتی انجام می شود.

برادر محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران درباره فاصله زمانی عملیات رمضان و والفجر مقدماتی می گوید:

- پس از رمضان ، کار برای ما خیلی سخت شد. حتی برای اولین بار با فرماندهان ارتش اختلافاتی (در تاکتیک) پیدا کردیم. رزمندگان هم دچار آسیب جدی شده بودند و بحث های سیاسی شروع شده بود. سخت ترین دوران جنگ برای ما همین دوره ی بعد از عملیات رمضان بود. به خصوص فرماندهان هم مشکل پیدا کرده بودند. لذا تا آمادگی برای عملیات بعدی ، که والفجر مقدماتی بود ، شش ماه طول کشید. در واقع این ابهام رزمندگان و فرماندهان بود که باعث شد این فاصله زمانی ایجاد شود.

- همه ادامه جنگ را ضروری می دانستند امام حضور نیروهای مردمی را در جبهه واجب کفایی اعلام کرده بودند از طرف دیگر با توان موجود امکان دستیابی به پیروزی با دشواری های بسیاری همراه بود اما موفقیت هایی که در مسلم بن عقیل در غرب و محرم در جنوب به دست آمد مشکلات را تحت شعاع قرار داد و العماره عراق را هدفی در دسترس نشان داد ، هرچند اختلافات سپاه و ارتش (در تاکتیک) همچنان پابرجا بود.

- طرح عملیات ومانور

- جلسات هماهنگی عملیات :

طرح عملیات والفجر مقدماتی بارها به دلایل مختلفی مانند: جاسوسی دشمن از طریق منافقین - دستگیری ناخدا بهرام افضلی فرمانده نیروی دریایی ارتش که از اعضاء حزب توده بود و برای شوروی جاسوسی می کرد - فعالیت انجمن حجتیه - پناهندگی یکی از اعضاء اطلاعات عملیات تیپ ۱ لشکر ۲۷ به نام محسن صرب اهرابی در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۹ به عراق - ترور فرماندهان تا سطح گردان و ... بارها تغییر پیدا می کند ولی در نهایت با طرح نهایی ذیل مصوب می گردد:

رسیدن به پل غزیه اصلی ترین هدف عملیات بود. اگر تصرف می شد در مراحل بعدی حمله به العماره طرح ریزی می شد. بستن جاده بغداد - العماره - بصره باعث می شد پشتیبانی دشمن از نیروهای بصره سخت شود در طرح عملیات مقرر گردید نیروهای قرارگاه کربلا و نجف تحت امر قرارگاه مرکزی خاتم النبیه (ص) (قرارگاه مشترک سپاه پاسداران و ارتش) هدایت عملیات را بر عهده گیرد .

- محورهای تهاجم:

- قرارگاه های اصلی

در عملیات والفجر مقدماتی دو قرارگاه اصلی باماموریت های زیر تشکیل شد:

- **قرارگاه نجف اشرف :** در مرحله اول ، قوای قرارگاه نجف می بایست در محور پاسگاه دویرج - طاوسیه تا رشیدیه ، حد فاصل خط اول تا کانال های آخر را تصرف کرده و در مرحله دوم و در ادامه تک ، جناح راست تا حاشیه جنوبی دویرج (پشت جاده آسفالت فکه و در غرب بزرگراه العماره و سرپل حلفائیه) را تصرف نمایند

- **قرارگاه کربلا :** نیروهای قرارگاه کربلا نیز می بایست با استفاده از معابر وصولی جای پای تصرف شده توسط قرارگاه نجف را تا چزابه ادامه داده و در پشت کانال پدافند نمایند

- در مرحله دوم منطقه شرق غزیه و شمال هورالهیوزه پاکسازی شده و سرپل غزیه تأمین شود تا چنانچه مأموریت قوای نجف در رسیدن به جاده با مشکل مواجه شد ، جناح قوای کربلا از تعرض و آسیب دشمن مصون بماند.

در صورتی که اهداف مراحل اول و دوم عملیات تحقق می یافت ، چنین پیش بینی شده بود که با بازسازی یگان ها و ایجاد شرایط مناسب و نیز با توجه به وضعیت دشمن ،

- در مرحله سوم قوای قرار گاه کربلا و قرارگاه نجف به طرف العماره تک نمایند. همچنین مقرر شد در منطقه چیلات و طیب تک فریب انجام شود. لشکر ۱۴ امام حسین (ع) نیز مأموریت داشت تا در منطقه فاو عملیات فریب انجام دهد.

۶) شناسایی منطقه:

- شناسایی مواضع دشمن:

با توجه به ویژگی های خاص منطقه ی فکه از جمله رملی بودن آن و همچنین فاصله ی زیاد خط خودی با دشمن که به حدود ۱۳ کیلومتر می رسید و نیز استقرار دشمن بر روی نقاط سوق الجیشی منطقه از جمله تپه ی دوقلو انجام شناسایی برای تیم های اطلاعاتی خودی دشواری های زیادی داشت و احتمال اسارت تیم های شناسایی و لو رفتن عملیات بسیار بالا بود. نیروهای اطلاعاتی در فکه شناسایی های خوبی انجام دادند. و تا خط کمین دشمن رفتند و شناسایی نمودند و در یک محور هم تا کانال های عراق رسیدند ولی بخاطر میدان های مین وسیع و کمین ها و کانال های عراق، و رملی بودن زمین نتوانستند به عمق دشمن نفوذ کنند. از این رو بیشتر اطلاعات مورد نیاز برای طراحی عملیات باید از طریق عکس های هوایی گرفته می شد ولی عکس هوایی وجود نداشت و از یک سو هواپیمای RF که برای عکس برداری استفاده می شد سقوط کرده بود و سرهنگ جعفری از نیروی هوایی ارتش به قرارگاه خاتم (ص) اطلاع داد که منتظر عکس هوایی نباشید. روزهای نزدیک به عملیات بین فرماندهان بحث های زیادی بود شهید حسن باقری اعلام کرد شاید عملیات در منطقه فکه موفق نباشد، باید دنبال راهکار های دیگری باشیم همچنین توجیه فرماندهان از طریق دیدگاه های ایجاد شده در منطقه از جمله دیدگاه شهید رجایی، شهید باهنر و شهید بهشتی انجام می گرفت البته کار شناسایی بر روی زمین به قوت خود باقی بود. یکی از رده های دفاعی مهم در مقابل رزمندگان سه ردیف کانال با ویژگی های ذیل بود:

کانال اول: از منطقه ی چزابه تا شرهانی به طول تقریباً ۹۰ کیلومتر عرض ۵ الی ۶ متر و عمق ۳ الی ۴ متر.

کانال دوم (بعد از عملیات به کانال کمیل معروف شد): به عرض ۴ الی ۵ متر که به صورت مقطعی ایجاد شده بود.

کانال سوم (بعد از عملیات به کانال حنظله معروف شد): به عرض ۲۰ / ۱ متر و عمق ۱/۵۰ متر که کانالی نفر رو بوده است.

کانال های با عرض زیاد به جهت جلوگیری از عبور یگان های زرهی و خودرویی توسط کشور های غربی برای عراق ایجاد شده بود و نقطه ی حائز اهمیت در ایجاد این کانال ها عدم وجود خاک های حفاری شده در بالا و یا محدوده ی این کانال ها می باشد که دو فرضیه در این رابطه محتمل می باشد.

- خاک های برداشت شده از کانال توسط کمپرسی و کامیون جابه جا شده است.

- در زمان حفر کانال خاک برداشت شده به صورت مکانیزه در دشت پخش گردیده است که البته شواهد فرضیه ی دوم مورد وثوق می باشد و هدف عراق از برداشت خاک این کانال ها، عدم ایجاد خاکریزو جان پناه جهت پدافند نیروهای رزمنده حتی به لحاظ بصری بوده است.

۷- سازمان رزم

- سازمان رزم خودی :

- قرارگاه خاتم الانبیاء (فرماندهی کل):

- قرارگاه نجف

ق نجف ۱ (سپاه ۱۱ قدر): ل ۲۷ (قدر ۱) - ل ۳۱ عاشورا (قدر ۲) - تی ۱۰ سیدالشهداء (قدر ۳ - احتیاط ق نجف) تی ۱۸ جواد الائمه ع (قدر ۴ - مامور از نجف ۲ در مرحله یک) - ق نجف ۲ (لشکر ۵ نصر): تی ۱۲ امام رضا (ع) - تی ۱۳۹ امام صادق (ع) - تی ۱۸ جواد الائمه (ع) که به ق نجف مامور شد.

- قرارگاه کربلا

ق کربلا ی ۱ (سپاه ۷ الحدید): ل ۴۱ ثارا... (ع) - ل ۸ نجف (تی ۱ و ۲) - لشکر تقویت شده قدس شامل ل ۷ ولیعصر (عج) و ل ۱۵ امام حسن (ع) ل ۱۹ فجر تی ۲ ل ۱۶ زرهی ارتش ق کربلا ی ۲ (سپاه ۳ صاحب الزمان (عج): (ق قائم ۱) ل ۱۷ علی ابن ابیطالب (ع) (قائم ۲) تی مستقل ۱۴۴ قمر بنی هاشم (ع) (قائم ۳) ل ۲۵ کربلا و تی ۸۴ خرم آباد ارتش (ادغامی) ل ۱۴ امام حسین (ع)

والفجر مقدماتی ، که ابتدا والفجر نام داشت ، طرح بسیار امیدوار کننده ای بود. نیروهای بسیاری برای این عملیات آماده شدن به صورتی که با افزایش نیروهای مردمی ، برای اولین بار بود که نیروهای سپاه پاسداران در غالب سازمان رزم سپاه می جنگیدند.

بعد از عملیات محرم ، سپاه پاسداران در صدد گسترش سازمان رزم خودی بر آمد ، بر همین اساس لشکر فتح به سپاه ۳ صاحب الزمان (عج) تبدیل شد و سازمان تمامی تیپ های تابع آن به جز تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) نیز به لشکر تغییر یافت.

لشکر ظفر نیز سپاه ۱۱ قدر را تشکیل داد و در نتیجه دو تیپ ۲۷ محمد رسول... (ص) و ۳۱ عاشورا به لشکر تبدیل شدند و سه تیپ ۱۸ جواد الائمه ، ۲۱ امام رضا (ع) و ۱۳۹ امام صادق (ع) نیز لشکر ۵ نصر را به وجود آوردند. همچنین، یک تیپ مستقل به نام تیپ ۲۱۰ موقت سید الشهداء (ع) (تیپ ۱۰) تشکیل شد و تحت امر این سپاه در آمد.

لشکر فجر هم با تیپ های المهدی (عج) ، امام سجاد (ع) و ثارا... به سپاه هفتم الحدید تبدیل شد. در این میان لشکر فجر با همان سازمان لشکر باقی ماند تیپ ثارا... نیز که به لشکر تبدیل شده بود، به اتفاق لشکر قدس (شامل لشکر ۷ ولی عصر (عج) و تیپ ۱۵ امام حسن (ع) و لشکر ۸ نجف اشرف تحت امر سپاه هفتم الحدید قرار گرفتند.

به این ترتیب با گسترش سازمان رزم سپاه پاسداران و ایجاد سه سپاه عملیاتی، قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) جهت انجام این عملیات ۲ قرارگاه نجف اشرف و کربلا را با استعداد ذیل در نظر گرفت:

****قرارگاه نجف اشرف:**

قرارگاه نجف اشرف هدایت نیروهای زیر را به عهده داشت:

سپاه ۱۱ قدر (نجف ۱): (قدر ۱) لشکر ۲۷ محمد رسول... (ص) با استعداد ۲۴ گردان (تیپ های ۱: عمار - ۲ ابوذر - ۳ سلمان - ۴ مکانیزه ذوالفقار) تیپ ۳ زرهی ل ۱۶ ارتش
(قدر ۲) لشکر ۳۱ عاشورا با استعداد ۱۳ گردان (تیپهای حضرت ابوالفضل (ع) و ۱ و ۲) و تیپ ۱ زرهی ل ۱۶ ارتش
(قدر ۳) تیپ مستقل ۱۰ سیدالشهدا (ع) با استعداد ۷ گردان
(قدر ۴) تیپ ۱۸ جوادالائمه (ع) (مامور از ق نجف ۲ در مرحله اول)
لشکر ۵ نصر (نجف ۲):
تیپ ۲۱ امام رضا (ع)
تیپ ۱۳۹ امام صادق (ع)
تیپ ۱۸ جوادالائمه (ع) (در مرحله اول به نجف ۱ مامور شد)
****قرارگاه کربلا:**

قرارگاه کربلا هدایت نیروهای زیر را به عهده داشت:

- کربلای ۱ - (قرارگاه قدس) سپاه ۷ الحدید:

قرارگاه قدس هدایت نیروهای زیر را بر عهده داشت:

تیپ ۱۵ امام حسن (ع) با استعداد ۱۰ گردان
لشکر ۷ ولی عصر (عج) با استعداد ۱۲ گردان
لشکر ۸ نجف اشرف با استعداد ۱۴ گردان (تی ۱ و ۲)
لشکر ۴۱ ثار... (ع) با استعداد ۱۱ گردان
لشکر ۱۹ فجر با استعداد ۲۴ گردان
تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی

- کربلای ۲ - (قرارگاه فتح) سپاه ۳ صاحب الزمان (ع):

قرارگاه فتح هدایت نیروهای زیر را بر عهده داشت: (بلند شود)

(ق قائم ۱) لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) با استعداد ۱۴ گردان
(قائم ۲) تیپ مستقل ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) با استعداد ۵ گردان
(قائم ۳) لشکر ۲۵ کربلا به استعداد ۱۱ گردان - ادغامی با تیپ ۸۴ خرم آباد ارتش
لشکر ۱۴ امام حسین (ع) با استعداد ۸ گردان

- قرارگاه فجر:

قرارگاه فجر هدایت نیروهای زیر را به عهده داشت:

لشکر ۲۱ حمزه با ۳ تیپ پیاده و ۱ تیپ زرهی

لشکر ۷ فجر (-)

تیپ ۳۳ المهدی (عج)

تیپ ۳۵ امام سجاد (ع)

تیپ ۳۷ زرهی (ارتش)

ضمناً، از ارتش نیز یگانهای زیر تحت امر فرماندهی این عملیات بودند:

لشکر ۱۶ زرهی با استعداد ۶ گردان تانک و ۶ گردان مکانیزه

تیپ ۸۴ خرم آباد با استعداد ۴ گردان پیاده و ۱ گردان تانک

تیپ ۵۸ ذوالفقار (احتیاط)

لشکر ۲۱ حمزه

نیروی هوایی، هوانیروز و توپخانه صحرایی و پدافند هوایی ارتش هم در این عملیات نقش فعالی داشتند.

لازم به ذکر است یگان های ارتش به صورت ترکیبی بین نیروهای سپاه در قرارگاه ها تقسیم شده بودند.

- همچنین استعداد توپخانه شرکت کننده در این عملیات عبارت بودند از:

ارتش: ۱۶ گردان

سپاه پاسداران: ۷ گردان

- سازمان رزم دشمن:

مسئولیت پدافند از منطقه عملیاتی (از چیلات تا هورالعظیم) به عهده سپاه چهارم عراق بوده است این سپاه از ۴ لشکر

مجهز با نیروهای اضافی و تیپ هایی از نیروهای جیش الشعیبه (به اصطلاح داوطلب) تقویت شده بود، لشکرهای

سازمانی این سپاه عبارت بودند از:

۸/۲/۱ لشکر ۱۴ پیاده: شامل:

- تیپ ۴۲۱ پیاده

- تیپ ۴۲۲ پیاده

- تیپ ۱۸ پیاده کوهستانی

- گردان تانک سیف سعد

منطقه گسترش لشکر ۱۴ از شیب تا پاسگاه دویرج و مقر فرماندهی آن نیز در غرب تقاطع جاده (چزابه- غزیه با جاده

صفریه) بود.

- لشکر ۱ مکانیزه: شامل:

- تیپ ۱۰۸ پیادهادر شمال پاسگاه انگیزه

- تیپ ۵۰۱ پیاده

- تیپ ۱ مکانیزه در شمال فکه

تیپ های ۹۲- ۹۳- ۹۴ پیاده و ۳۴ زرهی و ۲۷ مکانیزه (به عنوان احتیاط) منطقه گسترش این لشکر از پاسگاه دوبرج تا پاسگاه پیچ انگیزه و مقر فرماندهی آن نیز در جنوب منطقه ی بزرگان بود.
۸/۲/۳ لشکر ۱۰ زرهی : شامل:

- تیپ ۱۷ زرهی

- تیپ ۴۲ زرهی

- تیپ ۳۴ زرهی

- تیپ ۲۴ مکانیزه

- تیپ ۴۱۲ پیاده

منطقه گسترش این لشکر از پیچ انگیزه (شیار به بجلیه) تا جنوب غربی دهلران (چیلان) بوده است.
- لازم به توضیح است لشکر ۱۰ زرهی القادسیه با تیپ مستقل ۱۰ زرهی متفاوت است. تیپ ۱۰ زرهی دارای تانک های (T۷۲) بوده و به عنوان تیپ نور چشمی صدام مطرح بوده است.

- نیروهای احتیاط: شامل:

لشکر ۳ زرهی ، در منطقه شرق هورالسناف جنوبی

تیپ ۳۰ زرهی از لشکر ۶ زرهی ، در منطقه جنوب زبیدات

تیپ ۱۶ زرهی از لشکر ۶ زرهی ، در منطقه العماره

تیپ ۲۵ مکانیزه از لشکر ۶ زرهی ، در منطقه شرق هورالسناف

تیپ ۳۷ زرهی از لشکر ۱۲ زرهی ، در منطقه بزرگان

تیپ ۱۰۱ پیاده گارد مرزی ، در منطقه العماره

تیپ ۱۰ زرهی وابسته به ستاد کل ، احتمالاً در شمال العماره

تیپ های ۴۸ پیاده و ۴۹ زرهی از لشکر ۱۱ ، در منطقه العماره

تیپ ۵۱ زرهی مختلط ، در منطقه فکه

گارد ریاست جمهوری ، در منطقه بزرگان

تیپ ۷۰۴ پیاده در منطقه صفریه تا رشیده

۸ - آمادگی رزم خودی : ****

۹ - آمادگی رزم دشمن :

جنگ با موانع

عملیات والفجر مقدماتی را باید جنگ با موانع نامید ، زیرا که دشمن بعثی پس از دریافت ضربات متعدد در عملیاتهای گذشته و وحشت از حملات گسترده رزمندگان اسلام به ایجاد موانع مختلف در مقابل مواضع خود می پردازد. در این منطقه نیز با اطلاع از موقعیت عملیات نزدیک یکسال روی مستحکم کردن منطقه کار می کند و در مقابل مواضع دفاعی

خود اقدام به ایجاد موانع می کند و آن را به دژی نفوذ ناپذیر تبدیل می سازد. از جمله می توان به بخشی از موانع دشمن در این منطقه اشاره کرد که بخش دیگر آن را در شرح عملیات خواهید خواند.

در مسیر حرکت رزمندگان از نقطه رهایی و رسیدن به خط دوم دشمن ، بیش از ۱۶ نوع مانع از سوی دشمن تعبیه و ایجاد شده بود و یا به صورت عارضه ی طبیعی منطقه ، وجود داشت که به ترتیب عبارتند:

- حدود ۸ الی ۱۰ کیلومتر رمل
- یکسری از میادین مین که از قبل تعبیه شده بود
- سیم خاردار حلقوی به عرض ۶ متر
- مواضع کمین
- سیم خاردار معمولی
- میدان مین به عمق زیاد
- سیم خاردار حلقوی
- کانال اول به عرض ۴ الی ۸ متر با ارتفاع ۳ الی ۴ متر
- سیم خاردار حلقوی
- میدان مین با عمق زیاد
- سیم خاردار حلقوی
- کانال دوم با مشخصات کانال اول (بند ۸)
- سیم خاردار حلقوی
- میدان مین
- خط اول دشمن که از سنگرهای متعدد و تعبیه کانالهای متعدد در زمین تشکیل شده بود.
- خط دوم دشمن (پس از خط دوم مجدداً ۳ کانال وجود داشت)
- لازم به ذکر است وجود بشکه های آتش زا به نام (ناپالم) که در سرتاسر منطقه فکه طوری کار گذاشته شده بود که از بیرون زمین قابل رویت نبوده است. این بشکه ها توسط جریان برق با یکدیگر ارتباط داشتند.
- وجود رادارهای رازیت که برد آن دو گونه است. ۱- صفر تا ۲۰ کیلومتر ۲- ده تا ۳۰ کیلومتر که جهت آشکارسازی نفرات پیاده و وسائط نقلیه و ادوات نظامی و هلی کوپتر تا ارتفاع پایین استفاده می شود . برابر اعترافات نیروهای عراقی (قبل از عملیات) فرانسه این رادارها را به عراق تحویل داده بود.
- در سرتاسر منطقه لاستیک هایی کارگذاشته شده بود که در صورت نیاز آنها را در شب آتش زده و از نور و روشنایی آن استفاده نمایند.
- تعبیه بشکه های فوگاز (آتش زا) در سرتاسر منطقه و میادین مین که در موقع نیاز از آنها استفاده شود. این بشکه های فوگاز که از ترکیب بنزین و گازوئیل ساخته می شود در زمان انفجار تا شعاع زیادی ، اطراف خود را به جهنمی از آتش تبدیل می سازد.
- با این موانع ،عراق تلاش می کند نفوذ نیروهای اسلام را در مواضع خود سد کند و یا در صورت حمله، آنها را قتل عام نماید. در عملیات فتح المبین دشمن احتمال حمله رزمندگان را در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۶۰ می داد از این رو توانست با

اقدامات بازدارنده از وقوع این عملیات در این تاریخ جلوگیری نموده و آن را تا ۲ فروردین ۱۳۶۱ به تأخیر اندازد. ولی این بار با حمایت کارشناسان غربی خود ، با ایجاد موانع و دام به مقابله با نیروهای اسلام برمی خیزد.

۱۰- تشریح عملیات:

دو شب قبل از شروع عملیات نیروهای رزمنده توسط اتوبوس به قرارگاه تاکتیکی منتقل می شوند تا برای عملیات آمادگی لازم را داشته باشند. شب عملیات فرا می رسد ، عده ای قرآن می خواندند ، بعضی وصیت نامه می نوشتند ، بعضی وسایلشان را چک می کردند فرماندهان نیروها رانسبت به عملیات توجیه می نمایند. دستورحرکت می رسد فرماندهان و رزمندگان گریه می کنند و از هم حلالیت می طلبیدند. نیم ساعت بعد فضا پر از شوخی و خندیدن می شود انگار به عروسی و جشن می روند اصلاً باورکردنی نیست .

خط خودی با خط اول دفاعی عراق فاصله داشت. هوا تاریک شد ، قبل از آغاز عملیات ، نیروهای رزمنده به سمت خط دشمن حرکت کردند تا به خط اول دشمن نزدیک شوند. هم زمان در قرارگاه فرماندهی خاتم النبیه(ص) همه برای موفقیت رزمندگان دعا می کنند.

- رمز عملیات :

سر انجام ساعت ۲۱:۳۰ مورخ ۶۱/۱۱/۱۷ رمز عملیات والفجر مقدماتی توسط سرلشکر پاسدار برادر محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نیروهای تحت امر قرارگاه مرکزی خاتم النبیه(ص) بشرح ذیل اعلام گردید :

✽ بسم الله الرحمن الرحيم

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم.

الهم ایاک نعبد و ایاک نستعین.قد تری ما انا فیه ، ففرج عنا یا کریم، یا الله یا الله یا الله

به مظلومیت علی اصغر(ع) و به ذوالفقار برنده ولی مومنین (ع) و قهاریت رب العالمین به پیش .

رزمندگان اسلام متشکل از سپاه پاسداران و ارتش با شنیدن رمز مبارک عملیات از جایگاه های خود خارج شده و در حالی که در بعضی از محور ها سکوت حاکم بود به سمت دشمن روانه می شوند. نیروها، تپه های رملی را پشت سر گذاشته و به نخستین میدان مین می رسند.

دشمن در پشت منطقه رمل و میدان های مین قدیمی ، دست به ایجاد میدان مین جدید به عمق ۴ کیلومتر می زند و پس از آن با کار گذاشتن سیم های خاردار حلقوی ، میدان مین دیگری به عمق ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر ایجاد می کند. در پشت این میدان ، سنگرهای کمین اجتماعی ۶۰ تا ۷۰ نفره احداث کرده و پس از آن کانالی به عمق ۴ متر و به عرض ۶ متر به وجود می آورد. مجدداً با کار گذاشتن سیم خاردار ، سه ردیف میدان مین به عمق ۴۰۰ تا ۵۰۰ متر تعبیه می کند و پس از آن هم کانالی مشابه کانال اول احداث و در پشت کانال دوم نیز سیم خاردارهای چادری کار می گذارد و در

پشت آن چند ردیف مین و المر و چند ردیف مین ضد خودرو به شکل زیگزاگ قرار می دهد. در پشت تمام این دژ دفاعی ، تیربار سنگین دوشکا به کار گرفته می شود. تا نیروهای درگیر در میدان مین و دیگر موانع را با آتش بسیار قتل عام کنند.

تخریبچی های از جان گذشته به سرعت وارد عمل می شوند و با خنثی کردن مین های مختلف معابر را برای عبور یگان های عمل کننده باز می کنند.

- **مرحله اول** عملیات از سه محور شمال پاسگاه دویرج تا پاسگاه رشیدیه و جنوب پاسگاه رشیدیه تا پاسگاه صفریه و محور بعدی از ارتفاعات چرم تا دژ های دفاعی دشمن آغاز می شود نیروها در تاریکی مطلق شب به منظور پاکسازی میادین مین و شکستن خطوط دفاعی دشمن و رخنه در این خطوط پیشروی کردند. وسعت و عمق موانع و استحکامات دشمن و وجود کانال های متعدد که دشمن برای ایجاد آن ها تلاش بسیاری کرده بود، سرعت لازم را از نیروهای قرارگاه نجف گرفت. رزمندگان اسلام تمامی تلاش خود را به کار می گیرند تا موانع را از سر راه بردارند. در این میان آتشبار های عراق، گلوله باران بسیار سنگین خود را آغاز و تیر بار ها از هر طرف آتش پر حجم خود را به سوی نیروهای اسلام می گشایند. به رغم گلوله باران سنگین و موانع بسیار مستحکم، خطوط مقدم دشمن در معرض سقوط قرار می گیرد و لشکر علی بن ابیطالب (ع) دژ دفاعی عراق را شکسته و به سمت جاده بصره- العماره یورش می برد. در منطقه طاووسیه و رشیدیه، یک تیپ کامل از مزدوران سودانی، مصری، یمنی و اردنی مورد حمله قرار می گیرند. آن ها با مشاهده نیروهای اسلام که از موانع متعدد گذشته و به سوی آن ها یورش آورده اند، اسلحه های خود را زمین می گذارند و پس از دادن تعدادی اسیر، کشته و مجروح راه فرار را در پیش می گیرند.

زمانی که خطوط اول دشمن در برخی محورها شکسته می شود ، از سوی قرارگاه مرکزی خاتم النبیه (ص) دستور تصرف خاکریز دوم صادر می شود این در حالی است که نیروها در میان دژهای دفاعی قرار گرفتند و از هر طرف گلوله های توپ - خمپاره و کاتیوشا و ضد هوایی به سویشان شلیک می شود. نیروهای تخریب به دلیل آتش گسترده طرفین نمی توانند معبری باز کنند. از طرفی آرایش نیروهای عمل کننده بر هم ریخته و راه نفوذ به هدف با بن بست مواجه می شود. در سمت چپ منطقه درگیری با شکسته شدن خط ، رزمندگان اسلام به انهدام موانع برای دسترسی به نقاط عمقی می پردازند با روشن شدن هوا ، عملیات دچار اختلال می شود و از آنجا که بعضی از نیروها نمی توانند یک دیگر را باز یابند و جناحین خود را تامین نمایند دستور توقف عملیات صادر می شود.

برای تثبیت موقعیت ، نیروهای جهاد به همراه تعدادی از رزمندگان در مقابل آتش شدید توپخانه و حملات هوایی ، جانفشانی می کنند و به احداث پناه گاه و خاکریز می پردازند در یک محور ، یک افسر و یک سرباز بعثی به خیال حضور نیروهای خود ، وارد منطقه نیروهای جهاد می شود و به اسارت در می آیند.

از ابتدای پیشروی نیروهای خودی از نقطه رهایی تا رسیدن به خط دوم دشمن بیش از ۱۶ نوع مانع از سوی دشمن تعبیه و ایجاد شده بود و یا به صورت عارضه طبیعی منطقه وجود داشت. دشمن با این اقدامات در واقع آن چه را به صورت تجربه از عملیات های گذشته به دست آورده بود ، تقریباً به صورت کامل در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی اجرا کرد. ارتش عراق سعی داشت با موانع یاد شده تا حد امکان در پیشروی نیروهای ایرانی تاخیر بیندازد. از این رو ، موانع مزبور به منزله زنگ خطر و عامل هشدار دهنده محسوب می شد و طرفی به طور طبیعی توان نیروها را جهت تأمین

اهداف در شب می گرفت، علاوه بر این، گرفتن جناح و به کارگیری نیروی احتیاط دو موضوع قابل توجه بود که در تاکتیک های دشمن در عملیات والفجر مقدماتی مشاهده گردید.

در نفوذ ناپذیری میادین مین و تله های انفجاری و دژهای دفاعی منطقه همین بس که اسرای عملیات اظهار می نمایند که خود آنها هم در حالت عادی جرأت نزدیک شدن به موانع متعدد کار گذاشته شده در منطقه را نداشتند. در نتیجه، اگر چه خط اول دشمن شکسته شد، لیکن به دلیل عدم پاکسازی منطقه و تاریکی شب، عدم الحاق نیروها و پاکسازی منطقه، عمق و وسعت زیاد میادین مین، هوشیاری و اطلاع قبلی دشمن نسبت به وقوع عملیات، عوامل بازدارنده ای بودند که به عدم تأمین کامل اهداف مرحله اول عملیات منجر شدند.

موضوع دیگر اینکه در گذشته نیروهای هجومی و اصلی دشمن در خطوط حضور داشتند و به طور طبیعی در معرض آسیب پذیری نیروهای مهاجم بودند؛ لیکن در این عملیات نظر به این که دشمن شکستن خط را برای خود مفروض می دانست، نیروهای هجومی اش را در احتیاط قرار داد و با قرار دادن نیروهای پدافندی در خط (نیروهای یرموک) و عمق بخشیدن به میادین مین و ایجاد موانع دیگر عملاً سعی بر این داشت که پس از گرفتن توان نیروهای مهاجم با وارد کردن نیروهای اصلی خود مناطق تصرف شده را باز پس گیرد.

- تحلیل برادر محسن رضایی در پایان مرحله اول عملیات :

هدف اولیه گرفتن جای پای مناسب بود که موفق بودیم. ضمناً ما با منطقه، موانع و میادین مین به خوبی آشنا شدیم که برای ادامه عملیات شناسایی دقیق از منطقه داریم. نیروی اصلی ما هنوز در دست ما است و درگیر جنگ نشده است. در نتیجه برای ادامه عملیات آماده می شویم.

- ایجاد خط پدافندی مناسب جهت انجام مرحله دوم توسط قرارگاه نجف :

جهت تسهیل در انجام عملیات در مرحله دوم و تشکیل خط پدافندی پیوسته، مقرر شد گردان جعفر طیار از تیپ عمار روی تپه دوقلو و گردان میثم از تیپ سلمان در چپ دوقلو عمل کنند همچنین از تپه دوقلو تا خال لشکر عاشورا و از خال تا چومو را تیپ ۱۸ جوادالائمه پدافند نماید.

این دو گردان در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۸ در نیمه شب ساعت ۲۳:۰۰ به سمت اهداف حرکت کردند. ساعت ۰۱:۴۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۹ دستور عملیات صادر شد و نیروها به دشمن حمله نمودند. ساعت ۰۷:۳۰ صبح اعلام می شود که یک سمت تپه دوقلو آزاد شده است و طرف دیگر آن در دست دشمن است.

- **مرحله دوم** عملیات در ساعت ۲۱:۰۰ روز ۱۳۶۱/۱۱/۲۰ به منظور انهدام نیرو و تجهیزات دشمن آغاز گردید. به زعم دژهای دفاعی بسیار مستحکم و غیر قابل نفوذ، رزمندگان اسلام موفق می شوند تعدادی از جنگ افزارهای بعثیان را منهدم و چند پاسگاه ایرانی و عراقی را آزاد سازند. اما این بار نیز بدلیل عدم الحاق نیروها و هم چنین هوشیاری دشمن به وقوع عملیات و احاطه او بر راه کارهای خودی، وسعت، عمق و تعداد استحکامات دشمن، مانع از پیشرفت رزمندگان گردید و عقب نشینی صورت می گیرد و موارد ذکر شده بخشی از عوامل اصلی این عدم الفتح بود. به هنگام عقب نشینی، جمعی از رزمندگان به محاصره ی دشمن در آمده و بعد از مقاومتی چند روزه بدون آب و غذا و مهمات به شهادت رسیده و تعدادی نیز به اسارت دشمن در می آیند.

- طبق ابلاغ دستور اجرای عملیات پدافندی در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۲ کلیه ی رده ها موظف به پدافند در منطقه ی استقرار خود گردیدند و بدین ترتیب عملیات والفجر بدون دستیابی به اهداف اصلی به پایان رسید و پسوند مقدماتی به کلمه ی (والفجر) افزوده شد و این عملیات (والفجر مقدماتی) نام گرفت. و نیروها خود را برای اجرای عملیات والفجر ۱ بازسازی نمودند.

- عدم الفتح از اینجا باب شد:

یک شب بعد از عملیات که همه برگشته بودند، فرماندهان خسته و خیلی ناراحت بودند. وقتی یکدیگر را می دیدند، ناراحتی شان چند برابر می شد. روحیه ها خراب بود، نماز را آقای محلاتی خواند همه منتظر بودن که فرمانده ها صحبت کنند و شاید آنها بیشتر توضیح بدهند اما شهید محلاتی صحبت کرد البته بعد هم برادران محسن رضایی و صیاد شیرازی صحبت کردند اما صحبت های شهید محلاتی آبی بود بر آتش او روایاتی از یکی از جنگ های صدر اسلام خواند و آنجا برای اولین بار فرماندهان اصطلاح (عدم الفتح) را از زبان ایشان شنیدند، اینکه (هیچ اتفاقی نیفتاده یک عدم الفتحی صورت گرفته و ما در ابتدای راهیم، پیروزی داشتیم و حالا هم عدم الفتح داشتیم باید دلایلش را بررسی کنیم، ببینیم چه پیامدهایی دارد و آنها را کنترل کنیم) که بعد خیلی بحث شد عده ای می گفتند دچار غرور و تکبر شدیم، فکر کردیم که دیگر خدایی وجود ندارد آن موقع مسائل معنوی بیان می شد حرف های شهید محلاتی خیلی مؤثر بود، طوری که همان جا به همه ی فرمانده ها گفتند: (بروید آماده بشوید برای عملیات بعدی) یعنی در همان شب آمادگی برای عملیات بعدی اعلام شد.

- آقای هاشمی روزهای والفجر مقدماتی را اینگونه در خاطراتش آورده است:

دوشنبه ۱۸ بهمن : صبح زود از جبهه سراغ گرفتم معلوم شد خط مقدم و استحکامات عراقی ها را در مرز شکسته اند و چند پاسگاه خودی و عراقی را از چنگ آن ها بیرون آورده اند. چند کیلومتر در خاک عراق به طرف العماره پیش رفتند ، اما به تمام اهداف نرسیده اند. قبل از دستور مجلس درباره عملیات صحبت کردم.

- پاتک دشمن در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷:

نیروهای عراقی در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۶ حدود ساعت ۱۰:۰۰ صبح در منطقه رملی تپه دوقلو به صورت گام به گام و با آتش سنگین اقدام به پیشروی کردند و از خال رشیده شروع به گرفتن سنگرهای خالی نموده روی تپه های بلند مشرف بر جاده های مواصلاتی خودی مستقر شدند که نیروهای خودی مقابل آنها که تیپ ۲ سلمان لشکر ۲۷ بود با بکارگیری گردان حبرن عدی و همچنین گروهان آرپی جی تیپ ۴ ذوالفقار لشکر با دشمن درگیر شده و متحمل تعدادی شهید و مجروح می شوند.

در ساعت ۲۱:۳۰ همان تاریخ تیپ سلمان با بکارگیری گردان های حبیب و شهادت تک خود را شروع نموده و تا ساعت ۰۱:۳۰ بعد از نیمه شب به پایان رسانیدند که گردان حبیب از چپ گرده ای و گردان شهادت از راست گرده ای عمل نمودند و تا ۱ کیلومتر بعد از گرده ای تپه را پاکسازی نمودند ولی با توجه به آتش سنگین دشمن نیروهای خودی از روی گرده ای پایین آمدند و این تپه چند بار دست به دست شد.

- نظریه حضرت امام (ره)

حضرت امام (ره) در پاسخ فرماندهانی که خدمت ایشان می رسند و عملیات را تشریح می کنند ، می فرمایند :

اسم این را ، شکست نگذارید ، این عدم موفقیت است . ابتدا شما بودید که به دشمن حمله کردید . ما در صدر اسلام هم از این عدم موفقیت ها ، در جنگ ها زیاد داشته ایم . این شکست نیست ، عدم موفقیت است . هیچ روحیه ی خودتان را نبازید ، با شجاعت باشید ، استقامت داشته باشید .

- سردار سرتیپ پاسدار برادر فتح ... جعفری :

در عملیات والفجر مقدماتی عراق موانع مناسبی را ایجاد کرد تا تاکتیک عملیات شب ما را کم اثر کند تا رزمندگان خواستند از موانع بگذرند هوا روشن شد . این مانع های پیچیده را یگان های عراق با کمک متخصصین کشورهای دیگر ایجاد کرده بود .

- سردار سرتیپ پاسدار برادر احمد سوداگر :

در جمع بندی از وضعیت خودی و دشمن به این نتیجه رسیدیم که باید این فعالیتها را انجام دهیم :
رعایت کامل اصل حفاظت اطلاعات در مقابل دشمن
تکیه بر کیفیت نیروها ، ابزارها و امکانات در اختیار
ورود به مناطقی که عراقی ها در آنها ضعف کمی یا کیفی داشتند .
استفاده از زمانهایی که اسیب مارا از نیروی هوایی عراق کم تر می کرد .
اتکا به نیروی پیاده و ورود به مناطقی که نیروهای عراقی نتوانند از برتری تانک و نفر بر استفاده کنند .

۱۱ - نتایج عملیات:

با این عملیات طراحان نظامی خودی دریافتند که عملیات بعدی باید در مناطق عاری از نقاط قوت دشمن (موانع ، آتش توپخانه - زرهی و ...) انجام شود. از سوی دیگر ، مناطق انتخابی باید به گونه ای باشند که ضعف های خودی در آن کم تر بوده و جنگ متکی به نیروهای انسانی در آن مناطق عملی باشد. مضافاً به این که فرماندهان سپاه پاسداران به این نتیجه رسیدند که باید ضمن پرهیز از انتخاب مناطق با عمق زیاد ، این انتخاب متناسب با قوای خودی باشد.
ضمناً در این عملیات بر انهدام قابل توجه تیپ های ۹۰۵ و ۷۰۴ و یک گردان از نیروهای سودانی ، تعداد ۱۱۳ تن از نیروهای دشمن اسیر شدند و آزاد سازی پاسگاه های ایرانی سوبله / صفریه / رشیدیه / طاوسییه / پاسگاه های عراقی وهب / الکرامه / صفریه از دیگر نتایج این عملیات بود.

۱۲ - خسارات دشمن :

- تجهیزات منهدم شده دشمن :
- ۵ فروند هواپیما
- بیش از ۱۲۰ دستگاه خودروی نظامی
- بیش از ۸۰ دستگاه تانک و نفربر
- تعداد زیادی سلاح سبک و نیمه سنگین
- یگانهای منهدم شده دشمن:
- تیپ ۱۲ از لشکر ۳ زرهی شامل گردانهای قادسیه ، قطیبه ، معتصم و گردان ۳ مکانیزه. تیپ ۷۰۲ پیاده از لشکر ۱۴
- گردانهای المثنی و الانتصار
- یگ گردان از تیپ ۵۰۵ گردان کماندویی حطین
- تیپ ۹۰۵
- تیپ ۷۰۴
- یک گردان از نیروهای مزدور سودانی
- ۱۳/۳ تعداد کشته و زخمی دشمن:
- بیش از ۴۵۰۰ نفر
-
- تعداد اسرا:
- ۱۳ نفر از نیروهای عراقی - یمنی - اردونی - سودانی و مصری

۱۳ - بازتابهای بین المللی عملیات:

رادیو **BBC** طی تفسیری اظهار داشت: نیروهای ایران قدرت لازم برای حمله ی تمام کننده به عراق را ندارند . ایران تنها با سه حمله ی همزمان و پر قدرت از سه جبهه ی مختلف بصره در جنوب ، نیرسان در جبهه ی میانی و مندلی در جبهه ی شمالی می تواند خطوط دفاعی عراق را ، که استحکامات سنگینی دارد ، در هم بشکنند. اما آنها هواپیما، تانک و تدارکات لازم برای چنین حمله ی همه جانبه ای را ندارند.

- سرزمین عطش

فکه، سرزمین رمل و شن های روان است. عمده ی این منطقه را تپه های ماهور رملی و بیابان های پوشیده از شن و ماسه در برگرفته است. به گفته ی کارشناسان نظامی هر یک کیلومتر راه پیمائی در میان رمل برابری می کند با سه کیلومتر راه پیمائی روی زمین معمولی. هر رزمنده ۱۲ تا ۱۵ کیلو تجهیزات و وسایل همراه دارد. بعضی از این نیروها موظف اند که به کمک هم قطعات ۴۰ کیلویی پل را نیز حمل کنند. پل هایی که قرار است بر روی کانال ها تعبیه شود تا رزمندگان از آن عبور کنند. هوای فکه در زمستان شب ها سرد و روزها گرم. پس پیداست که یک قمقمه آب، پاسخگوی لب تشنه ی چند روز آینده نخواهد بود. عطش واژه ایست که با وادی فکه عهد دیرینه دارد. تشنگی عجین همیشگی و اذن دخول سرزمین شن های روان است. همه ی چهار عملیاتی را که در طول هشت سال دفاع مقدس در فکه انجام شده است، گلوهای خشک و لب های ترک خورده روایت کرده اند. در اوایل محاصره و مجروحیت، این عطش بود که زودتر از همه همنشین رزمنده می شد. راز ناله های خفته در عمق کانال های فکه و استخوان های آرام گرفته بر فراز تپه ماهور ها در سینه ی خشک- بی آبی نهفته است. درصد بالائی از شهدای فکه در اثر تشنگی مفرط به دیار حق شتافته اند.

- کانال حنظله وکمیل

یکی از حزن انگیزترین و در عین حال حماسی ترین پرده های نمایشی فکه، ماجرای گردان حنظله است. تعداد زیادی از رزمندگان این گردان درون یکی از کانال ها (کانال نفرو به عرض ۱/۲۰ و ارتفاع ۱/۵۰) به محاصره نیروهای عراقی در می آیند. آنها چند روز و صرفاً با تکیه بر ایمان سرشار خود به مبارزه ادامه می دهند و به مرور همگی توسط آتش دشمن و با عطش مفرط به شهادت می رسند.

سردار شهید علی محمودوند فرمانده با اخلاص گروه تفحص شهدا که از معدود بازماندگان کانال حنظله است، ماجرای بچه های گردان حنظله را اینگونه روایت می کند:

در عملیات والفجر مقدماتی جزء هفده نفر از تخریبچانی بودم که ما را به گردان حنظله مأمور کردند. می دانی، اکثر بچه های این گردان توی همین حمله شهید شدند؟ از ما هفده نفر تخریبچی هم فقط ۳ نفر زنده به عقب برگشتند. بقیه با شهدا رفتند. بچه های این گردان با آن که اکثراً ۱۵، ۱۶ سال بیشتر نداشتند، توی کانال ماندند و دمار از روزگار لشکرهای مجهز و تازه نفس زرهی مکانیزه ی عراقی درآوردند. البته موقعی که محاصره شدیم، اوضاع سخت اشکی شد.

سردار سعید قاسمی که در نبرد والفجر مقدماتی، مسئولیت واحد اطلاعات و عملیات لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) را بر عهده داشت از سرنوشت گردان حنظله اینچنین روایت می کند:

« ساعت های آخر مقاومت بچه ها در کانال، بی سیم چی گردان حنظله حاج همت را خواست. حاجی آمد پای بی سیم و گوشی را به دست گرفت. صدای ضعیف و پر از خش خش را از آن سوی خط شنیدیم که می گفت:

(احمد رفت، حسین هم رفت باطری بی سیم دارد تمام می شود عراقی ها عن قریب می آیند تا ما را خلاص کنند. من هم خداحافظی می کنم)

حاج همت که قادر به شکستن محاصره ی تیپ های تازه نفس دشمن نبود. همان طور که به پهنای صورت اشک می ریخت گفت:

(بی سیم را قطع نکن... حرف بزن هر چی دوست داری بگو اما تماس خودت را قطع نکن. صدای بیسیم چی را شنیدم که می گفت: سلام ما را به امام برسانید. از قول ما به امام بگویید همان طور که فرموده بودید حسین وار مقاومت کردیم، ماندیم و تا آخر جنگیدیم)

بخشی از وصیتنامه یکی از شهدای کانال حنظله :

امروز روز پنجم است که در محاصره هستیم ، آب را جیره بندی کرده ایم ، نان را جیره بندی کرده ایم عطش همه را هلاک کرده جزء شهدا، که آرام در انتهای کانال خوابیده اند ، فدای لب تشنه ات ای پسر فاطمه (س)

- وقتی استقامت و مقاومت و مردانگی بچه های گردان کمیل و حنظله را برادر رفیق دوست خدمت حضرت امام (ره) شرح می دهند ایشان می فرمایند : آنها یقیناً از ملائکه ... بودند .

- قصه قتلگاه

در جریان عقب نشینی عملیات والفجر مقدماتی تعدادی (حدود ۱۲۰ نفر) از نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول ا... (ص) (گردان حنظله و تعدادی از نیروهای گردان کمیل و گردان انصار- حنین - مقداد - مالک - جعفر طیار- حمزه و...) و لشکر ۳۱ عاشورا (گردان حضرت قاسم(ع)) درون یکی از شیارهایی که از تلاقی دو تپه ماهور تشکیل شده بود (از این نقطه در عملیات والفجر مقد ماتی با عنوان خال یاد می شود) و در حال حاضر به عنوان یادمان و قتلگاه شهدای فکه نامگذاری شده است)، در محاصره عراقی ها گرفتار می شوند. داخل شیار با مین های والمری فرش شده بود. تعدادی از بچه ها در برخورد با مین به شهادت رسیده و تعدادی مجروح می شوند. مابقی سعی می کنند در سینه کش تپه پناه بگیرند. سنگرهای کمین دشمن که بر روی شیار تسلط کامل براین منطقه داشته اند، باران گلوله را راهی شیار می کنند. هر لحظه بر تعداد شهدا و مجروحین افزوده می شود. با این حال رزمندگان محاصره شده ۳ روز در بدترین شرایط مقاومت می کنند. در پایان با سیل گلوله های خمپاره و تانک و دوشیکا قامت های برافراشته را در خاک و خون می غلتاند. بعد از چند روز وقتی عراقی ها وارد شیار می شوند، سراغ مجروحین رفته و بسیاری از آنان را به شهادت می رسانند. از ناگفته هایی که فکه در سینه دارد نحوه شهادت اسرا و مجروحین است. تعداد زیادی از رزمندگانی که به اسارت نیروهای عراقی در آمدند و نیز شمار قابل توجهی از مجروحین که توان حرکت نداشتند به وحشیانه ترین شیوه ها به شهادت رسیدند. عراقی ها گروه گروه رزمندگان اسیر و مجروح را با دست های بسته در زیر خروارها خاک دفن کردند در حالیکه آنان هنوز زنده بودند. مرتضی شاد کام از برادران گروه تفحص شهداء در این باره حرف هایی دارد: « اصلاً یکی از مواردی که خیلی برای ما مهم و مشکوک بود، سیم های تلفن بود که از خاک بیرون زده بود. سر سیم را می گرفتیم و به دنبال آن زمین را می کاویدیم. کم کم می رسیدیم به شهدایی که دست و پایشان با سیم تلفن بسته و دفن شده اند. غالب شهدایی را که در این حالت و وضعیت پیدا می کردیم، مطمئن بودیم که زنده به گور شده اند. در عملیات تفحص،

اجسادى از شهدا كشف شد كه نشان مى داد آن ها را قبل و يا بعد از شهادت آتش زده اند. وجود مزدوران سودانى كه به گفته رزمنده هاى حاضر در صحنه ، كمترين عاطفه و رحمى نداشتند، اين موضوع را تايد مى كند. شواهد و قرائن نشان مى دهد. كه درصد بالايى از رزمندگان دشت فكه، نوجوانان بوده اند و بيشتر شهدايى كه بعد ها در عمليات تفحص از اين سرزمين كشف شدند نيز از سن و سال كمى برخوردار بوده اند.

- تفحص شهدا

يگانهايى كه زمانى در منطقه فكه ، عمليات انجام داده بودند ، هر يك مقر كوچكى را در فكه برپا نموده و مشغول يافتن شهداى خود شدند. (اولين يگان تفحص در فكه توسط لشكر ۲۷ حضرت رسول(ص) و لشكر ۳۱ عاشورا تشكيل شد) هياهوى آتش و خون آن روزها حالا تبديل شده بود به سكوتى غم انگيز و ناله ي آرام باد كه قصه ي شيرين شهيدان را در گوش ها زمزمه مى كرد و رقص خون بر شمشير ها را.

ديگر از تير و تركش خبرى نبود. اين جا بيلچه ها بودند كه سينه ي فكه را مى شكافتند تا قطعه استخوانى ، تكه ي پيراهنى و يا پلاك بى صاحبى بيايند تا آن ها كه قصه ي مردانه گى فكه را رويا مى خوانند ، كمى به خود آيند. مرتضى شاكام مى گويد:

(هركدام از بچه ها به يك بيل دستى يا كلنگ مسلح بودند. دست هاى بچه ها ، از بس بيل زده بودند ، تاول زده و يا زخم شده بود. روزها تاول مى زد و از شدت تركيدن تاول ها زخم مى شد. شب كه براى استراحت به عقبه مى رفتيم ، دست هاى مان را توى محلول گلسيرين و آب ليمو قرار مى داديم تا كمى التيام يابد و دوباره فردا صبح ، روز از نو و روزى از نو.

يكى از برادران تفحص در منطقه فكه مى گويد:

با توجه به شناسايى هاى بعدى كه روى مشخصات و پلاك و مدارك موجود مى باشد ، ديده ايم كه اكثر شهداى فكه متولدین ۴۴ تا ۴۶ هستند. يعنى تا سال ۶۱-۶۲ كه حساب كنيم از ۱۵ سال تا ۱۹ سال يعنى زير ۲۰ سال بوده اند كه البته اين مساله در پيكرهاى شان هم پيدااست. جسدها و جمجمه هاى كوچك نشان مى دهد كه چه قدر نوجوان بوده اند. هر كجا كه تعدادى شهيد كشف مى شد ، تابلويى به يادگار در همان محل نصب مى گشت. عجب معرکه اى ، شهدايى كه شانه به شانه ي يكدیگر با دنيا وداع کرده و اکنون پيكرهايشان تكيه داده به هم در برابر چشم بچه ها بود. شهدايى كه بعد از سال ها، جسم سالم داشتند و وقتى تكان شان مى دادى خون سرخ از آن بيرون مى زد. بقايای اجساد سه شهيد از يك خانواده در كنار هم . استخوان انگشتى كه انگشتى خود را به همراه داشت. جمجمه اى كه پرنندگان كوچك در آن لانه كرده بودند.

اما قتل گاه فكه سال ها پس از غوغاى نبرد ، ميهمان عزيز ديگرى را در جمع خود پذيرا شد. روز بيستم فروردین ماه ۱۳۷۲ آقای سيد مرتضى آوينى به همراه مهندس يزدان پرست به هنگام تهيه ي فيلم مستندى از قتلگاه فكه در اثر انفجار مين والمري كه سالهاى سال انتظار مى كشيد تا سيد مرتضى را به آسمان برساند به شهادت رسيد.

هر چه که در دل دارد
 خاک آن که با... نشسته خون اهلک ، و زمان انتظار که گشته ناله آن
 ناله بران که در سراسر دلتها... خون بهشت ، حایز فکر را خواهد گشت
 و غلبت را خواهد درید و بهر لاله نور خواهد گشت و روحش را از آن
 پیوسته خواهد بود و برابر پیوند آن هیچ راه جز شهادت نخواهد داشت

- آقا سیدمرتضی آوینی در طول ۸ سال دفاع مقدس، فریاد مظلومیت رزمندگان اسلام در شهر بود. او با ساخت ۷۰ فیلم مستند تحت عنوان روایت فتح، مخاطبان خود را در جریان فرهنگ متولد شده در جبهه های نبرد قرار داد. پس از دفاع مقدس، روح ناآرام او هم چنان در پیچ و خم خاکریزها و زاویه ی سنگرها به دنبال ناگفته ها بود. او اعتقاد داشت که فرهنگ جبهه نباید زیر آوار تاریخ دفاع مقدس دفن شود. انتقال آن فرهنگ به شهر می تواند زندگی را از چنگال بی رحم ثروت و قدرت به در آورد و صبغه ی معنوی به آن ببخشد.

سید شهیدان اهل قلم به همراه مهندس یزدان پرست در تاریخ ۷۲/۱/۲۰ معبری از نور راطی کرده و به آسمان پرکشیدند. «این زمین با خون شهدای دیگری از جنس تفحص سیر آب گشت، شهادتی که از معراج فکه به خدارسیدند».

شهیدان: سید علی موسوی - علیرضا حیدری - حسین صابری - عباس صابری - سعید شاهی - علی محمودوند - مجید پازوکی - علیرضا شهبازی - محمدرضا زمانی و دیگر شهدای عزیز تفحص

- سردار شهید علی آقا محمودوند فرمانده با صفای گروه تفحص شهدای لشکر ۲۷ که بعد از غریب به ده سال تحمل رنج و سختی ها، با وجود یک پای مصنوعی و بدنی مالا مال از جراحات دوران عاشقی، در ۲۲ بهمن ۱۳۷۹ بر اثر انفجار مین و المر به دوستان شهیدش پیوست.

- سردار عاشورایی آقا مجید پازوکی علمدار بعدی گروه تفحص لشکر ۲۷ که با داشتن ۷۰٪ جانبازی از سالهای دفاع مقدس و جهادی قریب به ده سال در میادین مین و موانع افسانه ای فکه برای پایان دادن به انتظار مادران چشم به راه فرزندانشان، نتوانست بیش از هشت ماه دوری رفیق و یار صمیمی خود، علی محمودوند را تحمل کند و در تاریخ ۱۳۸۰/۷/۱۷ در منطقه پاسگاه وهب عراق کربلایی شد.

- پاسداران شهید علیرضا شهبازی و محمد رضا زمانی از بچه های نسل سوم جنگ که با روحیه شهادت طلبی و نگاهی آرمانی به مسیر شهدا پا در رکاب فرماندهان و پیشکسوتان جهاد و شهادت گذاشتند و با خونشان ثابت نمودند، عاشق شدن برای خدا و در راه ارزشهای معنوی متکی به سن و سال نیست بلکه نیازمند نگاهی ژرف و عمیق به فلسفه جهاد و شهادت در راه خداست.

علیرضا و محمدرضا دوماه بعد از شهادت شهید پازوکی در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۲۶ در منطقه فکه - پاسگاه صفریه آسمانی شدند.

- حضرت (ره) :

آنهايي که به تکليف عمل مي کنند، پيروزي و شکست براي شان معنا ندارد.

شهید آقاسید مرتضی آوینی : ما وارث انبیاء (ص) هستیم و آیات الهی آفرینش انسان در وجود ماست که معنا می یابد . ما از مرگ نمی ترسیم که مرگ ما شهادت است و شهادت حیات عند رب . عقل های محجور و آئینه های قیر اندود فطرت بشر غربی چگونه خواهند توانست، که معنای حیات عند رب رادربابند .

ای شقایق های آتش گرفته
دل خونین ما شقایق است که داغ شهادت شما را
بر خود درآورد . آیا آن روز نیز خواهد رسید که بلبلان گمراه
در وصف ما سرد شهادت بگردانند ؟

سید مرتضی آوینی

والسلام

علیکم و رحمه ا... و برکاته

برادر کوچکتان

پاسدار مهدی امینی

منابع و مأخذ

۱- مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)

۲- سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس سپاه و بسیج

** سازمان رزم لشکر ۲۷ محمد رسول ا... (ص) در عملیات والفجر مقدماتی

* تیپ ۱ عمار: فرمانده شهید اکبر حاجی پور- بهمن نجفی

گردان انصار: فرمانده جعفر محتشم- شهید اسدی

گردان مقداد: فرمانده شهید محمد رضا کارور
 گردان کمیل: فرمانده شهید ثابت نیا- شهید بنک دار
 گردان مالک: اشتر فرمانده شهید علی اکبر هاشمی
 گردان جعفر طیار: فرمانده ملک زاده
 گردان حمزه: فرمانده تندسته
 * تیپ ۲ سلمان: فرمانده شهید مهدی شرع پسند- شهید حمید گلکار- شهید مهدی محمد باقری
 گردان مسلم:
 گردان یاسر:
 گردان میثم:
 گردان حجر بن عدی: فرمانده شهید سرآبادی
 گردان حنظله: فرمانده شهید حسینعلی یاری نسب
 گردان حبیب:
 * تیپ ۳ ابوذر: فرمانده شهید سید رضا دستواره- نصرت ا... قریب- حسن زمانی
 گردان تبوک:
 گردان بدر:
 گردان حین:
 گردان سیف:
 گردان خبیر:
 گردان خندق:
 * تیپ ۴ مکانیزه ذوالفقار: فرمانده شهید ناهیدی
 گردان تانک (۴ تانک)
 گردان مکانیزه (۶ نفربر)
 گردان ضد زره
 - لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) به فرماندهی برادر حاج علی فضلی با تیپ ۳ زرهی همدان فرماندهی
 سرهنگ ستاد جوادی ادغام گردید.